

طراحی خانه معمار با رویکرد نقش و نگار اسلامی (یک مرور نظام مند)

مهناز مرزبان*^۱. نواز کوروس راد^۲. پروانه قریب گرکانی^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری داخلی، دانشگاه آزاد اسلامی،

واحد پردیس تهران، ایران* mahnaz.marzban9@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری داخلی، دانشگاه آزاد اسلامی،

واحد پردیس تهران، ایران navazom2@gmail.com

۳. دکتری فلسفه هنر، مدرس گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی،

واحد پردیس، تهران، ایران gharibazin@yahoo.com

چکیده

تغییر یک فضا به مکان، هدف وجودی معماری است. بنابراین یکی از گرایش‌های موجود در مطالعات مکانی، تحقیق بر روی مفهومی وابسته بدان، تحت عنوان تعلق خاطر مکانی در زمینه‌های محیطی مختلف است. در دهه اخیر علاقمندی محققان به سوی مکان‌هایی که کاربری‌های متفاوت از سکونتگاه‌های دایمی دارند سوق یافته است. معماری بسیار توانمندتر از هر هنر دیگری با حیات انسان مرتبط بوده است. اساس تفکر در تنظیم این پژوهش، طراحی معماری خانه‌ی معمار با رویکرد نقش و نگار اسلامی می‌باشد. ایجاد فضایی پویا و بی‌زوال، که کاربران آن با طیف سنی و علمی متفاوت می‌باشند، که با فراهم آوردن امکاناتی چند نیازمند بررسی است. فضای خانه معمار ابتدا باید از لحاظ فیزیکی مطلوب باشد. فضاهای با کیفیت فیزیکی مطلوب به فضاهایی اطلاق می‌شود که در طراحی آنها استاندارد شاخص‌هایی از قبیل هوای سالم دمای مناسب رطوبت کافی، رنگ و نور، صوت، دید و منظر مناسب کارایی انرژی دسترسی‌ها و ارتباط رعایت شده باشد. در معماری اسلامی، طرح‌ها و نقش‌های زیادی به کار می‌رود. بیشتر این بناها از قدیمی‌ترین تا به‌روزترین آنها، پوشیده از این نقش و نگارها هستند. زیبایی آفرینی تنها بخشی از هدف این هنر است. در واقع در پس هر یک از این نقش و نگارها، دنیایی از معانی و مفاهیم ژرف قرار گرفته است، به طوری که امروزه برخی از این الگوها در درس‌های زیبایی‌شناسی و تفسیر هنر دانشگاه‌ها تدریس می‌شوند.



در این نوشتار برای پیشبرد ایده خانه معمار با رویکرد نقش و نگار اسلامی به بررسی مروری پژوهش‌های انجام گرفته قبلی با رویکرد نظام‌مند پرداخته می‌شود. برای جمع‌آوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای و همچنین از منابع قابل استناد علمی استفاده شده است. در نهایت یافته‌های پژوهشی به‌بوته تحلیل گذاشته می‌شود. در راستای اهداف پژوهش، با استفاده از کلید واژه‌های طراحی خانه معمار، نقش و نگار اسلامی و طراحی داخلی در مقالات مرتبط استخراج و سپس با استفاده از فراتحلیل به بررسی موضوع مورد پژوهش پرداخته می‌شود. یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که یکی از رویکردهای مهمی که در سال‌های اخیر در طراحی اسلامی به خصوص در طراحی نقش و نگارهای اسلامی تاثیرگذار بوده است طراحی خانه معمار می‌باشد که باید بیش از پیش به آن پرداخته شود.

واژه‌های کلیدی: خانه معمار، نقش و نگار اسلامی، طراحی داخلی

مقدمه

معماری با زندگی انسان‌ها در آمیخته است. از انسان‌های اولیه گرفته که در غارها با نقش و نگارها سعی به زیبایی‌سازی محل زندگی خود می‌کردند تا معماری‌های مدرن امروزی که با سبک‌های گوناگون سعی در ایجاد محیطی مفرح برای انسان‌ها را فراهم ساخته‌اند. یکی از این سبک‌های مدرن طراحی به شیوه خانه معمار می‌باشد. فعالیت نظم دادن و سامان بخشیدن به زیستگاه‌های انسانی احتمالاً از همان آغاز شهرنشینی انسان شروع و در تمام طول تاریخ همواره در همه جوامع و تمدن‌های شهری به نوعی متظاهر شده است. مسائل و نیازهای عدیده جوامع شهری امروز در همه جا آنچنان طراحی شهری را می‌طلبد که بتواند تبلور کالبدی، فضائی راه‌حل‌ها و نیازها را در همه سطوح و همه زمین‌ها تحقق بخشیده و فضا و کالبد معنی‌دار و هدفمندی برای شهرها پدید آورد. شهر امروز به عنوان اثر بارز تمدن معاصر باید به چیزی ورای طراحی بناها و شبکه رفت‌وآمد بیاندیشد. در این حالت است که می‌توان احساس زیبایی و سرزندگی شهری با هویت را تدارک دید و از تعلق خاطر شهروند به شهر سخن گفت. و از شهر به عنوان بارزترین نمود تمایل و نیاز بشر به جامعه مدنی، حیات مدنی و زندگی شهری یاد نمود، حیاتی که از مجموعه برخورد مردمان با جهان ذهنی، با محیط عینی پیرامون، با خود و با دیگران و روابط ناشی از آنها زاده شده است. (کینگ و هیندز، ۲۰۰۳، ۷۸). بنابراین لازم است فضاهایی خلق شوند که با نیازهای امروز مطابقت داشته باشند و به گونه‌ای سامان یابند که با رویکردهای نوین همخوان باشند، در این فضاها روحی جستجو می‌شود که به شهر غنا و تنوع بخشد و تأثیر فزاینده‌ای را سبب شود که پیوندهای گوناگون شهروندان با مکان‌ها و فضاهای داخلی را بیان کند. در این حالت است که می‌توان احساس زیبایی و سرزندگی شهری با هویت را تدارک دید و از تعلق خاطر شهروند به شهر سخن گفت، و از شهر به عنوان بارزترین نمود تمایل و نیاز بشر به جامعه مدنی، حیات مدنی و زندگی شهری یاد نمود، حیاتی که از مجموعه برخورد مردمان با جهان ذهنی، با محیط عینی پیرامون، با خود و با دیگران و روابط ناشی از آنها زاده شده است. به این ترتیب در

گذر زمان هویتی ساخته می‌شود، مرکب از هنجارها و رفتارهای اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی نسل‌هایی که شهر را ساخته‌اند و فعالیت‌های شهری را سبب شده‌اند، در معماری سنتی ایرانی بناها در هماهنگی و تعامل کامل با طبیعت و محیط‌زیست و بر مبنای فرهنگ و هویت ملی محلی شکل گرفته‌اند. فرم، سازه و مصالح این بناها بر مبنای بیشترین بهره‌گیری از عناصر طبیعت (آب، باد، خاک و آتش) و استفاده حداکثری از انرژی‌های تجدیدپذیر، در نظر گرفته شده است. در واقع سنت‌های معماری که در طول سالیان متمادی شکل گرفته‌اند، تضمین‌کننده پایداری معماری سنتی هستند. مدرنیسم با شعار گسست از طبیعت و تاریخ و در تقابل با رویکرد سنتی و به نام نوآوری، ساختمان‌هایی را شکل داد که پس از چند دهه مشکلات زیست‌محیطی و فرهنگی به همراه حذف هویت مکانی و اجتماعی را به وجود آورد. در واقع نمی‌توان همه دست آوردهای مدرنیسم را نادیده گرفت اما لزوم بازنگری آرمان‌های مدرنیستی وجود دارد و منجر به شکل‌گیری جریان‌های متعدد معماری در دوران معاصر شده است (اریاب زاده، اعتصام و شمیرانی، ۱۳۹۹، ۵۲). یکی از این رویکردها طراحی خانه معمار می‌باشد که در سال‌های اخیر بیشتر به آن پرداخته شده است. روند رو به رشد جمعیت در کشور ما باعث شده تا بر حجم و تعداد ساختمان‌های مسکونی و اداری در شهرهای بزرگ بیفزاید و مشکلات عدیده‌ای از جمله آلودگی هوای محیط‌های داخلی را به وجود آورده است. استفاده از مواد شیمیایی قابل تبخیر و مصنوعی در ساختمان‌ها، دود سیگار، پخت‌وپزها و انواع وسایل حرارتی غیر استاندارد که از علل مختلف هوای مسموم و ناپاک در محیط‌های داخلی می‌باشد (هارپر، ۲۰۰۶). عدم طراحی مناسب سیستم‌های تهویه باعث شده تا ضمن ایجاد خستگی زودرس و آسیب‌های روحی و روانی در طولانی مدت بیماری‌های جسمانی متعددی را به وجود بیاورد. اصول معماری نوین بر مبنای تضمین سلامت جسمی و روحی انسان‌ها بنا شده است. چندین دهه است که پژوهش در خصوص ابعاد مختلف معماری دوران اسلامی توسط محققان بزرگ خارجی و داخلی در حال صورت پذیرفتن است. از بزرگترین این محققان می‌توان به هانری کوربین، تیتوس بورکهارت و سیدحسین نصره، حسن بلخاری قهی و شهرام پازوکی اشاره نمود که سهم به‌سزایی در این عرصه داشته‌اند. با توجه به پژوهش‌هایی که در زمینه زیبایی‌شناسی انجام گرفته، اما همچنان کمبودهایی در حوزه مطالعاتی و پژوهشی حوزه زیبایی‌شناسی معماری و آثار اسلامی وجود دارد (کریمی و مرادی، ۱۳۹۹، ۲). بر طبق تعاریف اصطلاحات گوناگون استفاده شده، واضح است که معماری پاسخگو در همه فضاهای بنا و همچنین در معماری بنا نقش موثری را بازی می‌کند. معماری و فضای ساختمان هر دو باید ویژگی‌هایی داشته باشند که پاسخگوی نیازهای کاربران باشند. معماری پاسخگو نباید به یک یا دو نوع از واکنش‌ها محدود شود. بلکه باید تمامی کنش‌ها از جمله کنش‌های ایستا، حرکتی، درونی و برونی را شامل شود (تقی‌زاده اورنگی، ۱۳۹۴، ۶۱). از دیگر سو می‌توان با ترکیب فرهنگ اسلامی با رویکرد طراحی خانه معمار علاوه بر حفظ فرهنگ اسلامی ایرانی، به سوی مدرنیته هم گام برداشت. معماری و شهرسازی اسلامی از جمله معماری‌هایی است که بر اساس فرهنگ و تمدن مذهبی بنا شده است. این نوع معماری و شهرسازی در



کشورهایی پیدا می‌شود که تأثیرپذیری قابل توجهی از ایدئولوژی اسلامی در طول سال‌های متمادی داشته و بر اساس همین ایدئولوژی فرهنگ خود را بنا کرده‌اند، از آن جمله می‌توان کشورهای آسیای میانه و قفقاز، ایران، عراق، ترکیه، سوریه، مصر، تونس، الجزایر، مراکش، هند و افغانستان را نام برد البته نباید فراموش کرد که گستره زمانی این کشورها برابر نیست، برای مثال چنین نقشی برای کشور مصر از تاریخ ۹۲۴ قبل از میلاد رقم زده شد (هیلن بران، ۱۳۷۷ به نقل از هاشم پور، ۱۳۹۷، ۱۱). در اوایل قرن بیستم اوضاع بسیاری از شهرها به علت پدیده صنعتی نیاز به برنامه‌ریزی و طراحی داشتند. ایده‌های بسیاری در زمینه بهبود اوضاع زیست‌محیطی شهرها و هماهنگی بهینه بافت آنها با پدیده‌های جدید چه در زمینه برنامه‌ریزی و چه در طراحی شهری توسط علاقه‌مندان و طراحان و برنامه‌ریزان شهری ارائه شد. مبانی واحدهای همسایگی از جمله ایده‌هایی بود که توسط افرادی چون کلرنس پری در آمریکا در حل مشکل سرریز جمعیت شهرها چه به صورت متصل و چه به صورت منفصل به طور گسترده‌ای نه تنها در غرب و شرق بلکه در سرزمین‌های اسلامی مورد استفاده قرار گرفت (لوباکارو و همکاران، ۲۰۱۶). در حالی که در کشورهای اسلامی نه تنها بر اساس نیازهای فیزیکی که بیشتر ایده طراحی واحد همسایگی، مدنظر بود بلکه در زمینه مسائل فرهنگی، مذهبی و اجتماعی نیز تجربه طراحی و ساخت محلات مسکونی برخوردار بودند. تجربه تبلور یافته از فرهنگ غنی اسلامی متأسفانه در دوران معاصر مورد توجه چندانی قرار نگرفت و به دلیل استفاده از مشاوران غربی در امر برنامه‌ریزی شهری و معماری به خصوص رویکرد طراحی خانه معمار که در این پژوهش به آن می‌پردازیم به صورت جدی مورد توجه قرار نگرفته است (پورجعفر، ۱۳۷۶ به نقل از هاشم پور، ۱۳۹۷، ۱۳). بنابراین در پژوهش حاضر با استفاده از روش مرور نظام‌مند به بررسی طراحی خانه معمار با رویکرد نقش و نگار اسلامی پرداخته می‌شود.

روش تحقیق

این پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی مبتنی بر داده‌های کتابخانه‌ای و پایگاه‌های اطلاعاتی داخلی قابل استناد علمی انجام شده است. در راستای اهداف پژوهش، با استفاده از کلید واژه‌های طراحی خانه معمار، نقش و نگار اسلامی و طراحی داخلی در مقالات مرتبط استخراج و سپس با استفاده از فراتحلیل به بررسی موضوع مورد پژوهش پرداخته شده است.

تعریف خانه معمار

خانه معمار مکانی است جمعی برای ایجاد تبادل نظر میان استادان و دانشجویان و علاقه‌مندان این رشته، فضایی برای تعالی هنر و نمایشگاهی از تفکرهای بلندپروازانه، فضایی جمعی که به جز جوانب فیزیکی و کاربردی نوعی فضای ادراکی و نمادین است که باخصلتی نظام‌مند و ماهیت مرکب با زمان اجتماعی و فرهنگی جامعه پیوندی ناگسستنی داشته و نسیت فرهنگی و اجتماعی جامعه در اجرای آن موثر است.

فضاهایی که به لحاظ تعاملات اجتماعی موفق شد که تعامل پویا، آموزش، محیط تبادل آزاد اطلاعات در قالب نمایش و آموزش مهارت‌ها کسب تجربه محیطی امکان بیان خلاق افراد و گروه‌ها می‌باشد. این امر خود منجر به افزایش سهم همبستگی و نه در نتیجه رضایتمندی بیشتر می‌گردد وجود داشته باشد. مشکلات موجود در جامعه معماران کمبود و نیاز به یک فضای جمعی برای معماران که هدف آن ایجاد فضایی برای رشد و تبلور اندیشه‌های ناب معمارانه و گسترش آن و همچنین ایجاد ارتباط با محیط خارج به طوری که این اندیشه‌ها در ساختن بناها پیاده گردند ما را به آن واداشت که به بررسی طراحی خانه معمار با دیدی انتقادی پردازیم (به نقل از برجعلی زاده و کریمی، ۱۳۹۳، ۴).

تحلیل خانه معمار

امروزه به دلیل عدم وجود مکان‌هایی برای تجمع و گرد همایی معماران و برگزاری مراسم‌ها و همایش‌ها و نمایشگاه و گالری‌هایی در رابطه با این رشته (معماری) در شهر مشهد، باید مجموعه‌ای فرهنگی هنری تحت عنوان "خانه معمار" در این شهر طراحی شود. با توجه به گسترده بودن این رشته و تعدد کسانی که تحت عنوان معمار و شهرساز در این حیطه مشغول به فعالیت هستند، لزوماً بایستی مکانی مناسب و درخور این حرفه در هر شهری وجود داشته باشد تا این افراد بتوانند در همایش‌ها و برنامه‌هایی که متناسب با این رشته برگزار میشود، حضور به هم رسانند و همچنین آثار و هنرهایشان را در این مکان به نمایش عموم گذارند تا مردم و علاقه‌مندان به این حرفه بتوانند از این هنرها و فعالیت‌ها بهره‌مند شوند. مطالعات خانه معمار تنها فضایی است که معماری را می‌سازد یا آنرا به ادراک در می‌آورد. فضای موجود دارای ادراک و احساس است که نسبت به جهان واکنش نشان می‌دهد. این فضا تنها بوسیله تعقل درک نمی‌شود، چرا که فضای معماری می‌بایست بوسیله فضایی نیز درک شود (نیگن و آیلو، ۲۰۱۳). حرکت فضا جهات دیدی متعددی می‌دهد که حرکت طبیعی نور، باد، باران، یا حرکات طبیعی انسان در آن انباشته می‌گردد. به این شکل انسان با معماری مرتبط می‌شود و معماری از طریق حضور مادی اش، حکم واسطه‌ای را دارد که می‌تواند عواملی مانند اقلیم و تاریخ را که شکل غیرمحسوس دارند انسجام بخشد. معمار سنتی با فضامندی، فرم را در دست گرفته و با فرم‌های هندسی ساده، تنوع گرایش‌ها و احساسات را ارائه می‌دهد. قصد نهائی معمار، نه بیان داشتن، بلکه آفرینش فضاهای نمادینی است که بر مادیت استوارند. معماری تنها به کار بستن فرم‌ها نیست. معمار معتقد است که علاوه بر این، معماری ساختن فضا و بالاتر از همه ساختن یک مکان (Place) است که چونان شالوده فضا عمل می‌کند. قصد معماری در ابتدا کشمکش با سایت و از این طریق بدست آوردن چشم‌اندازی از معماری چونان مکانی مشخص در دل طبیعت است. معماری به مثابه نمادی از خرد انسانی، طبیعت را استعلا می‌بخشد. نمادی که دارای استقلال پیشنهادی است شاید به ندرت هنری یافت که به اندازه معماری با زندگی مردم پیوند داشته باشد. هنر معماری از بارزترین جلوه‌های فرهنگ هر قوم و هر دوره تاریخی و نمایشگر گویای فضای زیست آدمی است. این هنر در



گذشته تابع اصول و ضوابط کمابیش و معین و شناخته شده‌ای بود و پیوندی استوار و ناگسستنی با فرهنگ جامعه و الگوهای رفتاری داشت، به همین سبب سبک معماری هر دوره، انعکاسی از فرهنگ و هنر آن دوره محسوب می‌شد و دگرگونی‌هایی که در سایر عرصه‌های زندگی و هنر به وقوع بذر این منوال بین سبک‌های گوناگون معماری رابطه‌ای چنان استوار وجود دارد که مرز بندی بین آنها دشوار به نظر می‌رسد.

ویژگی‌های خانه معمار

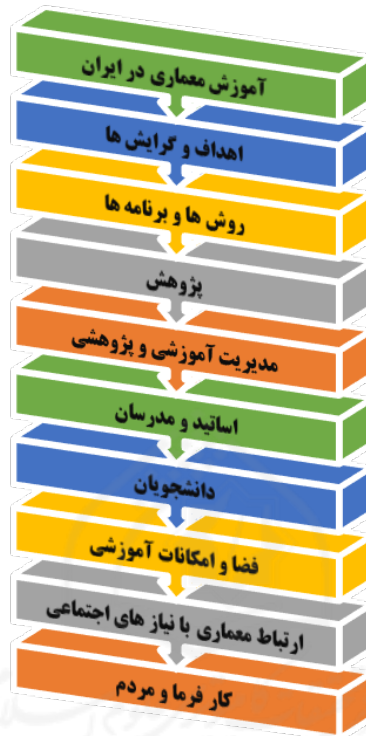
یک مرکز معماری تخصصی باید دارای عملکردهای گوناگونی باشد تا بتواند پاسخگوی نیازهای معماران باشد برای مثال کتابخانه تخصصی معماری برای تبادل هر چه بیشتر اطلاعات. وجود فضاهای آموزشی، کارگاهی، پژوهشی و همایشی برای برگزاری کلاس‌ها و تجمع‌های بزرگ معماری برای این مجموعه امری ضروری است. علاوه بر این فضاهای اداری، تسهیلات رفاه خدماتی، نمایشی و برگزاری مسابقات مختلف معماری نیز باید در این مجموعه وجود داشته باشد. به طور کلی این مجموعه باید بتواند به یک مجموعه معماری که برای این رشته مرکزیت داشته باشد تبدیل شود (لیلان، ۱۳۹۴، ۲۵).

ویژگی‌های طراحی خانه معمار در ایران

خانه معمار اهمیت و حساسیت آموزش معماری نسبت به برخی از دیگر تخصص‌ها در این می باشد که در این رشته نمی توان به سهولت مانند رشته‌هایی مثل علوم تجربی یا رشته‌های فنی و مهندسی نسبت به انتقال دانش و تجربیات حرفه‌ای اقدام کرد، زیرا از یک سو هدف‌های مسئولان و برنامه‌ریزی‌های هر واحد آموزشی و از سوی دیگر آگاهی و کارآیی کادر آموزشی نسبت به اهداف علمی و آموزشی بسیار اهمیت دارد.

در یک نگاه اجمالی می‌توان برخی از مباحث مهم و بنیادی آموزش معماری در ایران را به چندین گروه به شرح زیر نام برد:

نمودار شماره ۱: آموزش معماری در ایران (ماخذ نگارنده)



ضرورت انجام تحقیق درباره طراحی خانه معمار

با توجه به این نکته که خانه‌های معمار در بیش از یک در مراکز معماری ارائه شده است، این تحقیق بر پایه‌ی شناخت معیارهای پدیدارشناسی در این مکتب که محتوای اصلی آن است و معیارهای گذشته که به عنوان اصول پذیرفته شده می‌باشد تدوین گردیده است. لذا اهداف خانه معمار همانا ایجاد فضایی برای رشد و تبلور اندیشه‌های ناب معماری ایرانی و گسترش آن و همچنین ایجاد رابطه با محیط خارج به طوری که این اندیشه‌ها در ساختمان‌ها پیاده گردند. با توجه به اهمیت و تاثیر بسیار زیادی که معماری در جوامع امروزی ما دارد و توجهی که مردم و دولت‌ها به آن می‌کنند و برگزاری همایش‌های متفاوت در زمینه انواع گرایش‌های معماری و پیشرفت روز به روز معماری در جهان و بعد در ایران لزوم طراحی یک مجموعه تخصصی ضرورت دارد. طراحی یک مرکز تخصصی برای برگزاری همایش‌ها، پژوهش‌های و کلاس‌های آموزشی معماری ضرورت دارد مجموعه‌ای که به صورت کاملاً تخصصی برای معماران طراحی شده باشد و برای این رشته مرکزیت داشته باشد و پاسخگوی بسیاری از نیازهای معماران و در نهایت پاسخگوی نیازهای مردم و دولت‌ها باشد.



به علاوه در معماری پاسخگو، نوعی معماری هوشمند نیز مورد نیاز است چرا که پاسخ نتیجه پردازش هوشمندانه است. معماری حرکتی هوشمند نیست مگر آنکه حرکت نتیجه پردازش هوشمندانه باشد اگر نه چادر همیک پناهگاه متحرک است که قابلیت تا شدن و حمل شدن را دارد. معماری هوشمند جدید باید همه انواع کنش‌ها را که هر در ایفای نقش خود، خوب عمل می‌کنند را دارا باشد (جهانشاه پاکزاد، ۱۳۹۱، ۴۳). بنا براین برای پیشرفت هر چه بهتر معماری، طراحی یک مرکز تخصصی معماری در الویت قرار دارد. یک مرکز معماری تخصصی باید دارای عملکردهای گوناگونی باشد تا بتواند پاسخگوی نیازهای معماران باشد برای مثال کتابخانه تخصصی معماری برای تبادل هر چه بیشتر اطلاعات. وجود فضاهای آموزشی، کارگاهی، پژوهشی و همایشی برای برگزاری کلاس‌ها و تجمع‌های بزرگ معماری برای این مجموعه امری ضروری است. علاوه بر این فضاهای اداری، تسهیلات رفاهی و خدماتی، نمایشی و برگزاری مسابقات مختلف معماری نیز باید در این مجموعه وجود داشته باشد. به طور کلی این مجموعه باید بتواند به یک مجموعه معماری که برای این رشته مرکزیت داشته باشد تبدیل شود (فلاح دوست و هشتگرد، ۱۳۹۶، ۴).



تصویر شماره ۲: طراحی نمای بیرونی خانه معمار با استفاده از نقش و نگار اسلامی (ماخذ نگارنده)



تصویر شماره ۱: طراحی نمای بیرونی خانه معمار با استفاده از نقش و نگار اسلامی (ماخذ نگارنده)

تعریف نقش و نگار اسلامی

اسلیمی که در اروپا با نام Arabesque به معنای «عربی» شناخته می‌شود نوعی نقوش تزئینی به شکل شاخ و برگ گیاهان، گل پیچک یا خطوط صاف و منظم است که گاه با عناصر دیگری همراه می‌شود. اسلیمی گونه‌ای از نقش و نگار است شامل خط‌های پیچیده و منحنی‌ها و قوس‌های دورانی مختلف که در تزئینات و کتیبه‌ها و بعضی دیگر از کارهای نقاشی ترسیم می‌کنند. اسلیمی گاهی به صورت نقش اصلی و زمانی همراه با دیگر طرح‌ها، در معماری، کتاب آرایی و هنرهای صناعی به کار رفته‌است. عبارت اسلیمی منسوب به اسلیم، صورت واژه اسلام است و به این جهت گاهی آن را اسلامی نیز خوانده‌اند. اسلیمی یکی از هفت نقش اصلی درنگارگری سنتی ایران است. اسلیمی نمودار تجریدی «درخت زندگی» یا صورت عام درخت

به ویژه درخت تاک است که با گردش‌ها و پیچش‌های پی در پی و هماهنگ شاخه‌های آراسته به برگ‌ها و نیم برگ‌ها و گره‌های آن از پایه‌ای که بند اسلیمی خوانده می‌شود، می‌روید و با نظمی خاص و شکلی چشم‌نواز که میان اجزاء آن وجود دارد، طرحی ویژه از درخت را ارائه می‌دهد. تمام منحنی‌های اسلیمی جهتی به درون و جهتی به بیرون دارند که جزء ذات اسلیمی است که این گرایش به بی‌نهایت دارد و نشانی از جاودانگی در اسلیمی به‌شمار می‌رود. اسلیمی طرحی است متشکل از قوس‌های دورانی زیبا که با چنگ‌ها، ماهیچه‌ها، سرچنگ‌ها، گره‌ها و انشعاب‌های مناسب کامل می‌شود و زیبایی و شکوه خاصی را در برمی‌گیرد. (آنتولی، ۱۳۹۸).

پیشینه نقش و نگار اسلامی

طرحی اسلیمی در مسجدی در جمهوری مقدونیه انتزاعی کردن نقش‌های گیاهی و جانوری دست کم از هزاره ۴ ق م، یعنی در هنر مصر باستان و تمدن‌های بین‌النهرین رواج داشته و بعدها به دیگر تمدن‌های غربی هم از جمله یونان و روم راه یافته است. در هنر به کار رفته در تخت جمشید که توسط معمارانی با ملیت‌های مختلف ساخته شده است به تجسم انسان و حیوان گرایش بیشتری وجود دارد و به نقش‌های گیاهی کمتر پرداخته شده است. آثار بر جای مانده از دوره اشکانی (۲۵۰ ق م - ۲۲۴ م) می‌توان نقش‌های گیاهی را دید که تأثیر گرفته از معماری هلنی پس از دوران سلوکیان است. برخی از نقوش این دوره را می‌توان پیشینه طرح‌های گیاهی در ایران به‌شمار آورد و به نمونه‌های بسیار استادانه از طرح‌های گیاهی بر سنگ نگاره‌ها، گچ‌بری‌ها و اشیاء فلزی برمی‌خوریم. در آثار این دوره همچون گذشته، اسلیمی گاه به صورت نقش اصلی و گاهی به جای حاشیه تزئینی به کار رفته است. در دوره ساسانی نقش‌های گیاهی بیشتر در حجاری‌ها و گچ‌بری‌های این دوره دیده می‌شود و می‌توان چیره‌دستی هنرمندان ایرانی در معماری را مشاهده کرد و تأثیر زیاد هنر بیزانسی را بر هنر ایران ساسانی دید. پس از حمله اعراب به مناطقی که قبلاً تحت نفوذ امپراتوری روم شرقی و ساسانیان بودند، معماری این دو ملت بزرگ وارد هنر اسلامی گردید به خصوص معماری روم شرقی یا معماری بیزانسی، می‌توان گفت هنر بیزانس زمانی وارد هنر اسلامی گردید که هشام بن مروان خلیفه اموی می‌خواست برای گسترش مسجد پیامبر و ساخت مسجد جامع در دمشق که بعدها به مسجد اموی دمشق معروف شد، معماران و مهندسانی از قسطنطنیه مرکز امپراتوری روم شرقی بیاورد. پس از آن معماران مسلمان به دلیل اینکه نمی‌توانستند از طرح‌های حیوانی و مجسمه‌ها در معماری استفاده کنند زیرا در دین اسلام بت‌پرستی و حرام به‌شمار می‌آمد، فقط از طرح‌های گیاهی استفاده می‌کردند که از معماران بیزانس آموخته بودند به تدریج با متمدن شدن جامعه مسلمان طرح‌های گیاهی اولیه بیزانسی که بسیار ساده بودند، به طرح‌هایی بسیار پیچیده و به شکل امروزی آن درآمدند که می‌توان کاربرد آن را در معماری مساجد و بناهای اسلامی مشاهده کرد. در دوره عباسیان طرح‌های اسلیمی به وفور



در معماری اسلامی استفاده می‌شدند، می‌توان گفت نقطه اوج طرح‌های اسلیمی در گچ‌بری‌های معماری اندلس به‌شمار می‌آید. در هنرهای اروپایی نیز از جمله گوتیک و باروک می‌توان تأثیر نقوش اسلیمی را به وفور مشاهده کرد که در گچ‌بری‌ها، فلزکاری‌ها و دیگر هنرهای اروپایی وجود دارد و در اروپا به نام arabesque رواج پیدا کرده‌است زیرا اولین بار و به شکل امروزی آن در کشورهای اسلامی دیده می‌شود. (دبده و همکاران، ۱۳۹۹، ۱۸).

نقوش اسلیمی در ایران پس از اسلام

هنرمندان ایرانی نیز دوره اسلامی طرح‌های اسلیمی را زینت‌بخش دست‌آفریده‌های هنری خود ساختند، و به نوآوری‌هایی نیز پرداخته‌اند. رونق و گسترش سفالگری و کاربرد روزافزون سفالینه، اسلیمی را از نخستین سده‌های هجری به نگاره سفالینه تبدیل کرد. اسلیمی گاهی به صورت نقش اصلی و زمانی همراه با دیگر طرح‌ها، سفالینه‌های نقش دار دوره اسلامی ایران را آراسته است. در بناهای سده ۴ تا ۶ ق که از دوره‌های پربار و درخشان تاریخ هنر ایران به‌شمار می‌آید، گوناگونی و نوآوری در طرح‌های اسلیمی چشمگیر است و در آثار سده ۶ ق نوعی از اسلیمی‌هایی در آثار گچ‌بری یا آجرپزی نقش‌بندی شده‌است که به نظر می‌رسد از برگ گیاه خاصی الهام گرفته شده‌اند. درون این اسلیمی‌ها حالت رنگ برگ‌های موازی دیده می‌شود که به احتمال زیاد بیانگر برگ‌های یک نوع پیچک است که برگ‌های قلب‌مانند دارد و بعد از رشد به دور خود می‌پیچد (گرچی مهلبانی و حاج ابوطالبی، ۱۳۹۱، ۵۵). حتی فرم گردان آن نیز به نوعی نمایانگر گردش پیچک است. از سده ۵ ق کاربرد اسلیمی در هنر کتاب‌آرایی نیز جایگاهی ویژه یافت. نقش داخل شمشه‌ها و ترنج‌ها در تذهیب آثار خطی جایگاهی تازه برای اسلیمی‌های بسیار ظریف بودند. اسلیمی که در هنر تزئینی گچ‌بری تا سده ۸ ق جایگاهی ویژه داشت، کاربرد فراگیر و گسترده کاشی معرق و خشتی در معماری ایران به ویژه در بناهای مذهبی از این سده رو به فزونی نهاد (گلابچی و همکاران، ۱۳۹۴، ۳۲). این گستره، بستر تازه‌ای برای هنرمندان طراح اسلیمی فراهم آورد. اگر پیش از این اسلیمی‌های گچ‌بری شده را تنها در درون بنا می‌دیدیم، از این هنگام هم درون و هم بیرون بنا را آراسته به کاشی با طرح‌های گوناگون از جمله اسلیمی می‌یابیم. در سده ۹ قمری که این طرح کهن تکامل یافته نام اسلیمی به خود گرفت، با اوجی از کاربرد آن در تمام شاخه‌های هنرهای تزئینی ایران از کتاب‌آرایی گرفته تا کنده‌کاری بر چوب و سنگ رو به رو هستیم در این سده اسلیمی یکی از رایج‌ترین نقوش در کاشی‌کاری استقالی‌ها و قالیچه‌های بازمانده از این سده با طرح‌های اسلیمی بر متن و حاشیه، نشان از گسترش کاربرد این طرح در هنر قالی‌بافی دارد. (دبده و همکاران، ۱۳۹۹، ۲۱).



تصویر شماره ۴: طراحی داخلی خانه معمار با استفاده از نقش و نگار اسلامی (ماخذ نگارنده)



تصویر شماره ۳: طراحی داخلی خانه معمار با استفاده از نقش و نگار اسلامی (ماخذ نگارنده)

نتیجه‌گیری

خانه معمار عبارت است از فضایی خلاقانه، حداقلی، نوگرایانه و مشخص برای استفاده شخصی که تمامی نیازهای روزانه خود را در آن برطرف نماید که این نیازها شامل فضایی برای استراحت، پرداختن به امور روزمره، فضایی حرفه‌ای برای کار و نمایش پوشش‌های کاری و فضایی سرگرم‌کننده برای گذراندن اوقات فراغت می‌باشد که رویکرد آینده برای این پروژه عبارت است از همگام بودن با تکنولوژی روز و همچنین در نظر گرفتن بحران‌های جدی بشری بصورت کاملا خلاقانه. یکی از مهمترین نکاتی که باید در طراحی خانه معمار مورد لحاظ قرار گیرد حفظ و نگهداری میراث فرهنگی و اسلیمی می‌باشد که در پژوهش حاضر به بررسی چگونگی طراحی خانه معمار با رویکرد نقش و نگار اسلامی پرداخته شده است. که در ادامه به برخی نکات مهم آن اشاره می‌شود.

(الف) توجه به فرهنگ اصیل و میراث فرهنگی در همه کشورها مورد توجه قرار دارد که در پژوهش حاضر نیز سعی شده است به صورت تفصیلی به آن پرداخته شود.

(ب) در معماری رویکردهای مختلفی وجود دارد که توجه به تمام آنها و زوایای مختلف آن می‌تواند انسان را به سوی نوآوری رهنمون سازد.

(ج) با توجه به فرهنگ اسلامی کشور ما، معماری و نقش اسلیمی با فرهنگ ایرانی پیوند خورده است.

(د) نقش و نگارهای اسلیمی علاوه بر بعد فرهنگی به عنوان یک سبک منحصر به فرد معماری نیز می‌تواند مورد توجه قرار گیرد که در این مقاله به آن اشاره شده است.

(ه) امید است این مقاله رهیافتی باشد برای سایر پژوهشگران برای انجام پژوهش‌های متقن‌تر.



فهرست منابع و مآخذ

- هاشم پور ر. (۱۳۹۷). معماری و شهرسازی اسلامی در فرم یا در معنا. مجله پژوهش‌های مرمت و معماری اسلامی، ایرانی.
- ارباب زاده م، اعتصام ا و شمیرانی س. م (۱۳۹۹). معماری بومی ایران در خوانشی نوین از دهه چهل خورشیدی تا کنون. نشریه علمی باغ نظر، ۱۷(۸۶): ۵۱-۶۴.
- کریمی م. ص و مرادی ا. (۱۳۹۹). بازشناخت ابعاد عینی و ذهنی زیبایی‌شناسی معماری اسلامی در دوران معاصر. نشریه علمی پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، ۱۶(۳۷).
- دبدبه م. شاطری وایقان ا و کهزاده و (۱۳۹۹). سبک‌ها در طراحی داخلی، مطالعه موردی: براساس جلد «۱ و ۲ و ۳» نقد از مجموعه کتاب سبک‌ها در طراحی داخلی. مجله شبک
- میرزایی خ. (۱۳۹۹). علت‌ها و پیامدهای همه‌گیری و عالم‌گیری ویروس کرونا، مجله ارزیابی تأثیرات اجتماعی. ۲(۸).
- گلابچی، م، تقی‌زاده، ک، و سروش‌نیا، ا (۱۳۹۴). نانو فناوری در معماری و مهندسی ساختمان تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فلاح دوست س و هشتگرد س (۱۳۹۶). طراحی خانه معمار تهران با تأکید بر حس مکان از دیدگاه پدیدارشناسی. دومین کنفرانس بین‌المللی مهندسی عمران معماری و مدیریت بحران.
- گرجی مهلبانی، ی، و حاج ابوطالبی، ا (۱۳۹۱). مصالح هوشمند و نقش آن در معماری. فصلنامه مسکن و محنتیر
- برجعلی‌زاده و کرمی الف (۱۳۹۳). طراحی معماری خانه معمار با رویکرد حس تعلق به مکان، کنفرانس بین‌المللی معماری طراحی و برنامه‌ریزی شهری.
- لیلیان، م (۱۳۹۴). نظریه‌ها و روش‌های طراحی، انتشارات آزادپیما.
- جهان‌شاه پاکزاد، حمیده بزرگ (۱۳۹۱). کتاب الفبای محیط برای طراحان- تهران: آرمانشهر، چاپ سوم.
- حمیده، تقی‌زاده اورنگی (۱۳۹۴). مجتمع تجاری تفریحی (چندمنظوره) در شهرستان اهر با رویکرد تعاملات اجتماعی چاپ اول، سال ۱.

___ King, C, R. , Hinds, P. C. (2003). Quality of life from Nursing and patient perspective. Jones and Bartlett publishers. Massachuset.

___ Nguyen, T. A. , & Aiello, M. (2013). Energy intelligent buildings based on user activity: A survey. Energy and Buildings, 56, 244-257.

___ Lobaccaro, G. , Carlucci, S. , & Löfström, E. (2016). A Review of Systems and Technologies for Smart Homes and Smart Grids. Energies, 9(5), 348.

___ Harper, R. (2006). Inside the smart home. New York: Springer Science & Business Media.